



# انترناسیونال ۴۸۶

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۵ دی ۱۳۹۱، ۴ ژانویه ۲۰۱۳

جمعه ها منتشر میشود

anternasional@yahoo.com

سردبیر این شماره: کاظم نیکخواه

## طبقه کارگر جایگاه خود را بازمی یابد



کارگری که اکثرا از مسئولین و

صفحه ۳

شرایط نگهداری و چگونگی رفتار مامورین و زندانبانان با تمامی زندانیان شده و خواهان آزادی فوری و ادامه معالجات رضا شهابی در خارج از محیط زندان شده اند. صرفنظر از خواست های بحقی که در این نامه به آنها اشاره شده است، آنچه قبل از هرچیز جلب توجه میکند این است که فعالین

فعالین جنبش کارگری ضمن اشاره به مرگ ستار بهشتی بدلیل رفتار غیر انسانی مامورین و برخورداری آنان از اختیارات گسترده در برخورد با زندانیان، خواهان آزادی کارگران دربند و دیگر انسانهای عدالتخواه از زندانهای سراسر کشور و رسیدگی عاجل به

نامه سرگشاده تعداد ۲۲ نفر از فعالین و رهبران شناخته شده و خوشنام جنبش کارگری به بدرفتاری با رضا شهابی چهره محبوب جنبش کارگری که در زندان به سر میبرد، اقدامی بسیار درخشان با سبک و الگوئی ارزنده در جنبش کارگری ایران است. در این نامه

## احمدی نژاد و "سرزمین سوخته"



کاظم نیکخواه

احمد توکلی از چهره های شاخص جناح موسوم به "اصولگرایان" یکی دو هفته پیش گفت که "احمدی نژاد میخواست سرزمین سوخته تحویل بدهد". او در اشاره به وعده یارانه های ۲۰۰ هزار تومانی منظورش این بود که احمدی نژاد دارد کاری میکند که بعد از رفتن دیگر این جامعه برای جمهوری اسلامی قابل حکومت کردن نباشد. باید گفت که ایشان نیمی از پلاتفرم احمدی نژاد را دقیق فهمیده است. و به يك معضل جدی جمهوری اسلامی در دوره بعد از احمدی نژاد انگشت گذاشته است. یعنی این که احمدی نژاد دارد فضایی ایجاد میکند که کسی در جمهوری اسلامی نتواند بعد از او بر این کشور حکومت کند. اما فکر نمیکنم مساله احمدی نژاد صرفا خرابکاری علیه جانشینانش باشد. فرض توکلی اینست که احمدی نژاد بسادگی صحنه را ترك خواهد کرد. بنظر من شواهد دارد نشان میدهد که او دارد نقشه میکشد که صحنه را بسادگی ترك نکند. بعبارت دیگر او میخواهد کاری کند که نتوانند او و یارانش را مجبور به ترك صحنه کنند. این حقیقتی است که وعده یارانه های ۲۰۰ هزار تومانی، طرح اخیر استخداامهای صد هزار نفره توسط استاندارها و نهاد ریاست جمهوری، و انتقاد به قوه قضاییه در مورد زندانها و حمله به نیروی انتظامی در برخورد به زنان و دختران و امثال اینها، طرحها و وعده هایی است توخالی که با گروه خون باند احمدی نژاد با آن

صفحه ۲

## یک و نیم میلیون دانش آموز ایرانی در خطر مرگ آتشین

کشور، ۵۰۰ هزار کلاس درس وجود دارد که ۱۵۰ هزار کلاس درس به اضافه ۵۰ هزار اتاق اداری مجهز به سیستم حرارت مرکزی نیستند. و به گفته او در سال ۸۸ مبلغ ۵۰۰ میلیارد تومان تقاضای بودجه برای

صفحه ۴

حالت تنها ۱۰ نفر فرض گیریم، آنوقت میتوان فهمید که حداقل جان ۱ و نیم میلیون دانش آموز هر روز با مرگ تهدید میشود. استناد خبر به گفته مرتضی رئیسی، رئیس سازمان نوسازی و تجهیز مدارس کشور است که میگوید در کل

هزار کلاس درس در ایران از امکانات گرمایشی و شرایط ساختمانی مناسب برای حفاظت جان دانش آموزان برخوردار نیستند. سپس ادامه میدهد که اگر تعداد دانش آموزان این کلاسها را در خوشبینانه ترین

شهلا دانشفر

این عنوان تکان دهنده گزارشی در ۱۱ دی ماه در سایت خبری عصر ایران است. خبر حکایت از این دارد که بنا بر آمارهای موجود بالغ بر ۱۵۰

## صفحات دیگر

اشتغال زنان

پاسخ جوانان به تفکیک جنسیتی

فرح صبری از ایران، صفحه ۴

بیانیه مشترک سندیکاها، اتحادیه ها و دیگر تشکل

های کارگری پیرامون بی توجهی به زندگی

کارگران و کودکان

صفحه ۴

علی نجاتی به دادگاه جمهوری اسلامی در سندانج

احضار شد

متن نامه مشترک منصور اسالو، جعفر عظیم زاده، داود رضوی، علی نجاتی، پروین محمدی، شیث امانی، شاپور احسانی راد، شریف ساعد پناه و ۱۴ نفر دیگر از فعالین کارگری به رضا شهابی، صفحه ۹

کارگران نورد لوله صفا نمونه ای از یک اعتراض

در خشان را به نمایش گذاشتند، صفحه ۱۰

## در ستایش حاشیه نشینی!

مصطفی صابر، صفحه ۵

بحران هسته ای و صف بندیهای حکومتی!

محمد شکوهی، صفحه ۷

ساریا رسول زاده یکی دیگر از دانش آموزان

"شین آباد" جان باخت!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، صفحه ۴

زلزله زدگان در مشقت هستند!

سران حکومت اسلامی دروغ میگویند! باید به این وضعیت اعتراض کرد!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران، صفحه ۷

## بازتاب هفته

جنگ پنهان سبک زندگی

یاشار سهندی، صفحه ۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## احمدی نژاد و "سرزمین سوخته" ...

از صفحه ۱

سابقه سیاه و جنایتکارانه جور در نمی آید و پیاده کردن آنها در جمهوری اسلامی عملی نیست و بطور جدی دردسرساز است. و به این مفهوم از منظر جمهوری اسلامی فقط میتوان آنرا تلاش برای ایجاد "سرزمین سوخته" نام گذاری کرد. اما وقتی همه اینها را با زمزمه های انتخاباتی چهره هایی از باند احمدی نژاد کنار هم بگذارید، معنای دیگری از آن بیرون می آید که توکلی و امثالهم دوست دارند به آن فکر نکنند. چون در آن صورت آینده جمهوری اسلامی بسیار تیره تر خواهد بود.

بگذارید کمی بیشتر توضیح دهیم. طرح خامنه ای و شرکا ظاهرا اینست که کاندید جناح یا باند احمدی نژاد را که میتواند امثال مشایی یا الهام یا یکی دیگر از آنها باشد را رد صلاحیت کنند و به این ترتیب قائله احمدی نژاد را تمام کنند. اما سوال اینست که اگر خامنه ای بداند که اینها می ایستند و شلوغ میکنند و جنجال راه می اندازند بازهم این کار را خواهد کرد؟ اگر احمدی نژاد فقط خودش و مشایی بودند شاید جواب مثبت بود. اما وقتی که فکر کنیم که این باند بعد از هشت سال قرار داشتن در راس حکومت شمار بسیاری را در رده بالا و پایین هرکدام از ارگانهای مختلف حکومت گرد خود جمع کرده است، اهرمهای اقتصادی را در دست دارد، بخشهایی از رده بالای بازار و سرمایه داران دانه درشت با آنها هستند، بخشی از جناحهای دیگر حکومت نیز به آنها خواهند پیوست، و بعلاوه این باند حاضر است به نحو خطرناکی با کارت مردم هم بازی کند، آن وقت دیگر تصمیم در این مورد برای خامنه ای و یا "شورای نگهبان" و بقیه کار ساده ای نخواهد بود. در این صورت روشن میشود که باند احمدی نژاد را بسادگی نمیتوانند کنار بگذارند. و اگر دست به این کار بزنند هزینه ای گزاف برای جمهوری اسلامی خواهد داشت. در نتیجه يك احتمال قوی اینست که ناچار شوند به سازشی با

نخواهد بود؟ قطعا پاسخ این نیز مثبت است.

## بر آمد و انقلاب بعدی

در واقع به هر طرف که نگاه کنید جمهوری اسلامی راهی جز بن بست پیش روی خود ندارد. و این بخاطر این باند و آن باند و بازیهای احمدی نژاد و ناسازگاریهای هاشمی و امثالهم نیست. این وضعیت بن بست جمهوری اسلامی است که برای مهره های گوش بفرمان و ملیجک مایی مثل احمدی نژاد که از هر آخوندی آخوند تر بود و آمده بود که سرکوب کند و جامعه را منکوب کند و ریاضت اقتصادی را به مردم تحمیل کند، راهی جز زدن زیر همه چیز باقی نمیگذارد. این حکومت به جایی رسیده است که هرکس در راس آن قرار میگیرد میفهمد و می بیند که خشم عظیم همه مردم میلیون علیه آن هر آن میتواند فوران کند. میفهمد که این حکومت واقعا و بدون اغراق بر دریایی از نفرت مردم نشسته است. کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان و جوانان بدون اغراق هیچگاه با این حکومت کنار نیامده اند و مدام در تلاش خلاصی از حکومت اسلامی طبقه سرمایه دار هستند. و اینجاست که هر کس که در راس حکومت قرار میگیرد مدام کابوس شب و روزش این میشود که با این وضعیت چه کند و چگونه باید با آن مقابله کند. این را در حالتی تصور کنید که هرکس بفکر چپاولها و دزدیهای کلان خویش است و پرکردن جیبها از پولهای میلییاری بسیار از نجات "نظام" و "اسلام عزیز" و امثالهم برایش شیرین تر و مهمتر است. این آن درد بی درمان حکومت است که مدام جناح و باند تازه ایجاد میکند. دوستان و یاران سابق را وحشیانه بجان هم می اندازد. بر سر چه کنیم ها و چه باید کردها و جنگ قدرت و منابع ثروت راهشان را جدا میکنند و بعد شروع میکنند از جنایات و دزدیهای یکدیگر برای یاریگیری از مردم افشاکاری کردن. برخی شان برای خود آینده ای در حکومت نمی بینند. نا امید میشوند راهشان را

## نگ بر گرانی و عاملین آن

کارگران! معلمان! پرستاران! شاغلین! بیکاران! مردم محروم!

گرانی هرروزه و فقر و نداری زندگی همه ما را به درد و عذاب تبدیل کرده است. تا این حکومت دزدان و مفتخوران حریص و میلیاردر هست، اوضاع هرروز بدتر و بدتر خواهد شد. ثروتهای میلیاردی آنها تماما حاصل دزدی نان شب فرزندان ماست. و ما مانده ایم و درد عمیق و خشم بی انتهایمان.

تنها راه نجات ما از این فقر و گرانی و حسرت و محرومیت که هرروز غیر قابل تحمل تر میشود، اینست که خشم مان را فرو نخوریم. داد بزنیم! فریاد بزنیم! اعتصاب کنیم! اعتراض کنیم! به مفتخوران حاکم هرچه سزایشان است با صدای بلند بگوییم! کوچه و خیابان و کارخانه و صف خرید و همه جا را به کانونهای اعتراض و حق خواهی تبدیل کنیم. هم اینک اینجا و آنجا اعتصابات کارگری و اعتراضات و بیرون ریختن فریاد خشم علیه مسببین این اوضاع هرروز مشاهده

جدا میکنند پولهای دزدی شان را خارج میکنند و مثل باند هاشمی سعی میکنند به نعل و به میخ بزنند و ببینند اوضاع به کدام سمت میچرخد.

جنگ و کشاکش جناحهای حکومت اکنون به اوج خود رسیده است. بقول یکی از حکومتی ها "فتنه ای بدتر از فتنه ۸۸ در راه است". در واقع جمهوری اسلامی دچار سیکل "فتنه ها" و بحران ها و برآمدهای اجتماعی است. اما همیشه بحرانهای ادواری در سیکل بالاتری تکرار میشود. خیزش

## تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

## تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

# نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

## زندگی انسانی حق مسلم ماست

این شعاری است که ما کارگران و معلمان در اعتصابات و تجمعاتمان بارها فریاد زده ایم. ما کارگریم، معلمیم پرستاریم، بیکار شدگانیم، باز نشستگانیم، زنیم، مردیم، دختریم، پسریم، مردمیم انسانهاییم. جامعه ماییم. برده و بنده کسی نیستیم. ثروت‌های جامعه از آن همه ماست. می‌خواهیم در رفاه و شادی، با منزلت و حرمت انسانی زندگی کنیم. می‌خواهیم جامعه‌ای بسازیم که در آن منزلت و آزادی و رفاه حق بی چون و چرای همه شهروندان است.

بیش از سی سال است یک لشکر بیرحم جهل و چپاول، بعنوان حکومت، چنگال خود را بر جامعه ما افکنده است و با بیرحمی‌ای باور نکردنی تلاش میکند هرچه بوی انسانیت میدهد را از ما بگیرد. شمشیر مذهب و خرافه و سنت‌های عهد عتیق را برافراخته اند و ما را موجوداتی ناقص العقل و بدون شعور می‌پندارند که باید آنگونه باشیم که آنها می‌خواهند، آن را ببیندیشیم که آنها می‌خواهند، از ثروت‌ها هیچ نخواهیم و بی‌عدالتی‌ها و ثروت اندوزی اقلیت بی‌خاصیت مفتخور و حریص را بعنوان مشیت الهی بپذیریم. نان را از سفره هایمان برگرفته اند، حسرت و محرومیت را به سرپای وجود کودکانمان رانده اند. خود را صاحب همه چیز میدانند و ما مردم را بی اختیار و بی اراده و بدون حق برخورداری از حداقل معیشت و رفاه میدانند.

علیرغم سی سال بیرحمی بی انتها و جنایت بی حد و حصر اما، توقع و انتظار ما از زندگی را نتوانسته اند نابود کنند. فریاد و اعتراض و جدال ما را نتوانسته اند خاموش کنند. ما جدال کرده ایم و خواهیم کرد. ما انقلابی را آغاز کرده ایم که گرچه هنوز ناتمام مانده است، اما قدرت عظیم ما را به خود ما و به حکومت منحوس و مذهبی سرمایه داران نشان داد. اتحاد میلیون‌ها نفری ما و اراده همگانی مان را متبلور کرد. ما مصممیم که این انقلاب را تا به آخر، تا به زیر کشیدن حکومت مذهبی مفتخوران و رسیدن به اهداف انسانی مان یعنی جامعه‌ای آزاد و مرفه و برابر تداوم بخشیم. جامعه‌ای که انسان و پاسخگویی به نیازهای همه انسانها اساس آنست. جامعه‌ای که در آن مسکن و غذا و پوشاک و درمان و تحصیل با استاندارد قرن بیست و یکم حق تک تک شهروندان است. جامعه‌ای که در آن آزادی بی قید و شرط است، اندیشیدن بی قید و شرط است، ستم و استثمار و تبعیض علیه شهروندان ممنوع است. با گام‌هایی محکم و عزم و اراده‌ای آهنین به پیش می‌رویم. آینده از آن ما مردم است.

زنده باد انقلاب انسانی برای یک جامعه انسانی

زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران

را دنبال نخود سیاه می‌فرستاد کاملاً به حاشیه رانده و بی اعتبار کرده اند. جریان کارگر کارگری عقب مانده که بعضاً توسط گروه‌های پوپولیست و عقب مانده سیاسی و تحت عنوان "چپ" نمایندگی می‌شد و کارگر را نه بعنوان یک انسان بلکه دقیقاً و عین کارفرما به کارگر فقط بعنوان یک نیروی کار با دست‌های پینه بسته نگاه می‌کرد، البته وزن زیادی نداشت اما اینکه بخشی از کارگران طبقه کارگر را در بعدی عمومی و ماکرو نمایندگی کنند و پرچم عدالت طلبی و آزادیخواهی کل جامعه را با شفافیت برافرازند، پدیده‌ای اساساً متعلق به سال‌های اخیر است. دیگر کارگر به خودش به مثابه موجودی که در کارگاه و کارخانه یا مزرعه‌ای بعنوان شهروند درجه سه کار میکند و حداکثر برای دستمزد معوقه و بالا بردن دستمزدش مبارزه میکند، نگاه نمی‌کند. و به همین اعتبار به دولت و احزاب و طبقات و جنبش‌های دیگر هم چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. این یک پیشروی تاریخی برای طبقه کارگر است. این خاکریزی است که میتوان گفت فتح شده و سنت‌های مبارزاتی خود را تثبیت کرده است.

این پیشروی و این مبارزه جوئی صرفنظر از دلایل متفاوتی که دارد، بر متن مبارزه گسترش یابنده کارگران علیه شرایط نكبت باری است که بر کارگران و مردم حاکم شده است. و این فاکتور مهمی است که امکان میدهد این پیشروی بطور تصاعدی ادامه پیدا کند. این پتانسیل را باید شناخت و موانع آنرا در هم کوبید. طبقه کارگر بجای دهها رهبر شناخته شده نیاز به صدها و هزاران رهبر شناخته شده دارد. برای مقابله با این شرایط نیاز دارد که تشکلهای خود را در هر محل کاری بسازد، تشکلهای سراسری خود را ایجاد کند، تمام خواست‌هایش را روشن و شفاف در مقابل کل جامعه قرار دهد و با اعتصابات پر قدرت و سراسری برای تحقق آنها وارد میدان شود. فاکتورهای متعددی زمینه‌های این مبارزه جوئی را فراهم آورده است و رهبران کارگری باید به این سمت خیز بردارند. رهبران جوان کارگری مرتباً پا به میدان نبرد می‌گذارند، باید به آنها کمک کرد که با این سنت‌ها و با چنین نگرشی به خود و به جنبش

## طبقه کارگر جایگاه خود را... از صفحه ۱

باشد و با کارگر معترض مثل یک شهروند مهم جامعه نگاه کند، رسانه‌ها سراغ رهبران کارگران برون تا کل جامعه بدانند که در فلان گوشه مملکت با کارگر بد رفتاری شده و جایی حقوقش ضایع شده است. و مهمتر از این می‌خواهد در جامعه‌ای بدون استثمار، بدون تبعیض و نابرابری و بدون اینکه مشتی مفتخور حاصل کارش را بجیب بزنند زندگی کند. این مجموعه را مدتهاست تشکلهای کارگری و رهبران کارگری، با بیانیه‌ها و نامه‌هایشان، با اعتصابات و خیابان بستن‌هایشان، با توقعاتی که بیان میکنند و مهمتر از همه با تلاش هرروزه شان برای متشکل شدن دارند بیان میکنند. دو جلوه باشکوه دیگر این مبارزه، نامه‌ها و بیانیه‌های شجاعانه رهبران کارگری زندانی، این گل‌های سرسید مبارزه برای آزادی و عدالت، و از طرف دیگر حضور فعال همسران و اعضای خانواده‌های کارگری در تجمعات اعتراضی، سخنرانی آنها در این تجمعات و در مبارزه برای آزادی عزیزان دربندشان است. به یمن این فعالیت‌ها امروز جنبش کارگری چهره و جایگاه متمایزی در جامعه یافته است که با هیچ دوره تاریخی در ایران قابل مقایسه نیست.

جنبش کارگری اساساً از طریق سازمان‌ها و تشکلهایش، اعتصابات و اعتراضاتش، مطالبات روشنش و از طریق رهبرانی که این خواست‌ها را نمایندگی کند، هویت پیدا میکند. با نگاهی به تحركات جنبش کارگری در سالهای اخیر و بویژه در یک سال گذشته، به جرات میتوان گفت که جنبش کارگری قدم‌هایی بزرگ به جلو برداشته و جایگاه ویژه‌ای در جامعه یافته است. جنبش کارگری چنان ثقلی پیدا کرده که انعکاس آنرا حتی در میان جنبش‌های طبقات دیگر میتوان بخوبی مشاهده کرد.

رهبران و تشکلهای کارگری در سالهای اخیر در عمل و در بعدی اجتماعی دیدگاه عقب مانده‌ای که کارگر را از پرداختن به مسائل غیر صنفی بر حذر میداشت و آنها را به احزاب بورژوا واکتار می‌کرد و کارگر

رهبران تشکلهای موجود کارگری هستند، به همه مسائل جامعه از نحوه برخورد به زندانیان و حدود اختیارات ماموران تا مرگ ستار بهشتی در زندان و آزادی کارگران و زندانیان عدالتخواه کار دارند و این مسائل را به خود و به جنبش کارگری مربوط میدانند و در یک اقدام شجاعانه و هوشیارانه از طریق یک نامه‌علنی آنها را به جامعه اعلام میکنند. این اقدام در کنار بیانیه پنج ماده‌ای کارگران بازتنشسته ذوب آهن اصفهان که علاوه بر خواست فوری افزایش دستمزد و افزایش سالانه دستمزد بالاتر از میزان تورم، خواهان طب و درمان رایگان و آموزش رایگان برای همه جامعه میشوند و در کنار سایر بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های رهبران کارگری زندانی درمورد سیستم قضائی و شکنجه و بیحقوقی زندانیان تا وضعیت دانش آموزان شین آباد و دانش آموزان در سراسر کشور و بی توجهی به زلزله زدگان آذربایجان و خواست آزادی بیان و تشکلهای دیگر مسائل مهم جامعه، همگی بیانگر یک رویکرد و پیشروی قابل توجه در جنبش کارگری است. جنبش کارگری از طریق تشکلهایش، رهبرانش و خواست‌ها و اعتراضاتش هویت طبقاتی خود را باز یافته است، بلوغ یافته و شخصیت پیدا کرده است و دیگر آن جنبش کارگری سه دهه قبل و حتی یک دهه قبل نیست.

کارگر می‌خواهد مثل انسان زندگی کند. کار و رفاه و حرمت داشته باشد. کودکش و همه کودکان جامعه در مدرسه و دانشگاه در رفاه و امنیت و بطور رایگان درس بخوانند، آزادی بیان و اعتراض داشته باشد، بتواند خود را متشکل کند و در مقابل همه ناروایی‌ها و بیحقوقی‌ها بایستد و هیچ دم و دستگاهی به اسم دولت مانعش نشود، اگر حقوقش را ندادند خیابان را ببندد و به مقامات حالی کند که باید فوراً به خواستش رسیدگی کند، بعنوان یک شهروند محترم این مملکت راحت به دکتر و بیمارستان مراجعه کند و انتظار داشته باشد به بهترین نحو ممکن به معالجه او برسند، جامعه از یک سیستم قضائی انسانی برخوردار

این اشل به مسائل و راه حل‌های آن فکر کنند. بدور انداختن محدودنگری‌ها و سنت‌های کهنه و عقب مانده، تشخیص این شرایط که علیرغم فشارهای طاقت فرسای اقتصادی و سیاسی بیش از هر زمان زمینه شکل‌گیری تشکلهای بزرگ کارگری بوجود آمده است و درک پتانسیل بالای جنبش کارگری، داشتن توقعات بزرگ و مطالبات روشن، تشکلهای بزرگ و رهبران بزرگ با سنت‌های مدرن و اجتماعی، شرط آمادگی برای مواجه شدن با تحولات زیر و رو کننده‌ای است که در پیش است. طبقه کارگر باید خود را ناجی کل جامعه بداند و خود را برای ایفای نقش در این سطح آماده کند.

کارگری نگاه کنند و خود را برای ایفای نقشی اساسی آماده کنند.

بخش پیشرو طبقه کارگر دارد کمر راست میکند و بر محدودنگری‌های قدیمی غلبه میکند اما این بیماری هنوز ریشه کن نشده و در این مسیر کار زیادی باید کرد. فقر، بیکاری، ناامنی شغلی، بیحقوقی، کشنده شدن میلیون‌ها نفر از جوانان کارگر به اعتیاد، کشنده شدن صدها هزار زن کارگر به تن فروشی، تحقیر و خورد شدن سالانه صدها هزار انسان کارگر و فقیر در زندان‌ها، ترک تحصیل میلیون‌ها کودک این طبقه، اینها از جمله معضلات گریبانگیر کارگران و مردم است و در شرایطی که جامعه بطرف تعیین تکلیف‌های بنیادی می‌رود، نباید سر طبقه کارگر کلاه برود. فعالین کارگری باید در

## یک و نیم میلیون

## دانش آموز ۰۰۰ از صفحه ۱

شهلا دانشفر



بازسازی مدارس شده است. اما در سالهای ۸۹ و ۹۰ فقط ۳۰ میلیارد تومان بابت این امر برآورد شده است. در همین رابطه فاطمه دانشور، رئیس کمیسیون نهادهای بنام "اخلاق کسب و کار و مسئولیت های اجتماعی" اتاق ایران از این سخن میگوید که از حدود ۵۰۰ هزار کلاس درس موجود در پهنه ایران بالغ بر ۳۰ درصد همچنان در فصل سرما از بخاری های نفتی برای گرم کردن محیط و دانش آموزان استفاده می شود. می افزاید: "به دیگر سخن دانش آموزانی که در این کلاس ها درس می خوانند، هر روز می توانند براحتی طعمه حریق شوند!" گزارش عصر جدید همچنین از این حکایت دارد که طی ۱۵ سال اخیر حدود ۸ مدرسه در حریق سوخته است و در مجموع منجر به مرگ ۵۰ دانش آموز شده است. یعنی هر سال ۳،۳ کودک جان خود

حقیقت است. هنوز از اینکه کودکان ما در شهرهای زلزله زده آذربایجان در چه شرایطی درس میخوانند و زندگی میکنند، و هنوز از مدارس مخروبه ای که هر لحظه بیم آن می رود که بر سر دانش آموزان خراب شود، چیزی نمیگویند. اما تا همین حدش هشدار دهنده و فاجعه بار است. همین گزارش به تنهایی جدا از همه آنچه که در حاکمیت رژیم اسلامی بر سر مردم و زندگی و معیشت مردم آمده، برای به محاکمه در آوردن رژیمی که چنین جان و زندگی مردم را به بازی میگیرد، کافیست. این گزارشات باید بطور واقعی کیفرخواست ما علیه این رژیم و جنایاتش در سطح جهان باشد.

مساله جان و زندگی يك و نیم میلیون کودک است. مساله خطر تکرار فاجعه ناگواری است که در ۱۵ آذر ماه در شین آباد پیرانشهر شاهدش بودیم. اتفاق ناگواری که در ان ۳۲ دانش آموز در حریق سوختند و دو نفر از آنان سارینا رسولزاده و سیران یگانه دو کودک نه ساله جان باختند و سه نفر دیگرشان نیز هم اکنون با مرگ دست و پنجه

نرم میکنند. دولت مسول جنایاتی است که در شین آباد پیرانشهر و سوختن ۳۲ دانش آموز در آنجا است. دولت مسول مرگ ۵۰ دانش آموزی است که در طی این سالها طعمه حریق در مدارس شده و درگذشته اند. باید همه ما مردم علیه این جنایت و برای نجات جان فرزندانمان و جلوگیری از تکرار آنچه که در شین آبادها اتفاق افتاده به میدان آییم.

باید جلوی تکرار چنین جنایاتی را گرفت. باید برای نجات جان این يك و نیم میلیون دانش آموزی که در خطر مرگ آتشین اند وسیعا به میدان آمد. خانواده های دانش دارند. خانواده های دانش آموزان هر مدرسه میتوانند در مقابل مدارس جمع شوند و از میان خود هیات هایی را برای پیگیری تصمیماتشان انتخاب کنند و در گفتگو با مسولین مدارس و آموزش و پرورش خواهان اجرای اقدامات فوری برای امن کردن مدارس برای دانش آموزان شوند. باید مقابل مدارس و آموزش و پرورش در هر شهر و بویژه در مناطق دور افتاده که خطر جانی

بیشتر کودکان ما را تهدید میکند، به محل تجمعات هر روزه خانواده ها و مردم معترض تبدیل شود و تا وقتی که از امنیت جانی فرزندانمان اطمینان حاصل نکرده ایم، میدان اعتراض را ترک نکنیم.

خلاصه کلام اینکه باید در همه مدارس زیر نظر معلمان و دانش آموزان و خانواده دانش آموزان موارد ناامن و خطرناک اعم از ساختمان مدارس و بخاری ها و غیره مورد بررسی قرار گیرد و دولت بلافاصله هزینه های لازم برای رفع ناامنی آنها را تامین کند.

در همین راستا باید به حمایت از خانواده های کودکان آسیب دیده در حریق شین آباد پیرانشهر برخاست و دولت را وادار کرد که علاوه بر ایجاد بهترین امکانات برای معالجه دانش آموزان مصوم شین آباد، به خانواده آنها خسارت بپردازد و ایمنی مدارس را بالا ببرد. تهدید جانی يك و نیم میلیون دانش آموز، مساله ایست که به کل جامعه و همه مردم مربوط است. باید در سطحی سراسری علیه چنین فاجعه ای به اعتراض برخاست.

## ساریا رسول زاده یکی دیگر از دانش آموزان "شین آباد" جان باخت!

یکی دیگر از دختران دانش آموز مدرسه شین آباد پیرانشهر نیز درگذشت. ساریا رسول زاده در اثر آسیب هایی که به دستگاه تنفسی و کلیه هایش وارد آمده بود ۸ دیماه در بیمارستان سینای تبریز درگذشت. سیران یگانه دانش آموز دیگر این مدرسه نیز چهار روز بعد از آتش سوزی درگذشته بود. روز ۱۵ آذر امسال، کلاس چهارم دبستان دخترانه شین آباد پیرانشهر دچار آتش سوزی شد که در نتیجه آن ۳۲ دانش آموز در میان شعله های آتش دچار آسیب های جسمی شدید شدند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری فاجعه دردناک از دست رفتن ساریا رسول زاده عزیز را به خانواده او و به دانش آموزان و معلمان این مدرسه صمیمانه تسلیت میگوید و خود را در غم بزرگ او شریک میدانند. ما از همه خانواده هایی که فرزندان آنها آسیب دیده اند و از مردم معترض و آزاده در کردستان می خواهیم که برای فراهم کردن بهترین امکانات برای معالجه کودکان آسیب دیده و در صورت لزوم اعزام آنها به يك کشور اروپایی به

## بیانیه مشترک سندیکاها، اتحادیه ها و دیگر تشکل های کارگری پیرامون بی توجهی به زندگی کارگران و کودکان

حوادث ناگوار مرگ کارگران و کودکان در چند هفته ی اخیر یکی پس از دیگری بیانگر بی توجهی مسوولان و کارفرمایان به جان انسان هاست. ۵ کارگر افغانی به هنگام کار در منطقه خاک سفید تهران پارس زیر آوار رفتند. به دنبال آن، فاجعه کشته شدن کارگران در معدن زغال سنگ طبس و فاجعه های دیگری که هر روزه در جای جای ایران رخ می دهد... بنا بر آمار منتشره هر روز به طور متوسط ۵،۵ کارگر در اثر حوادث کار و نبود شرایط ایمنی جان خود را از دست می دهند. با توجه به آنکه حکومت کلیه مسوولیت های خود را در قبال مردم ونظارت بر ایمنی و بهداشت و بهروزی مردم و به خصوص کارگران و خانواده هایشان را فراموش کرده است و هر روز شرایط بدتری بر زندگی اقشار متوسط به پایین سایه می افکند و هر روز اخبار وحشتناک تری از نابودی انسان ها در محل کار و زندگی و سفر و جاده و خیابان ها

پخش می شود. همچنین کنار ناایمنی شرایط کار، خبرها حاکی از آن است که جان کودکان در مدارس مخروبه و غیر ایمن نیز در خطر است. قربانیان حریق مدرسه ی روستایی شین آباد در پیرانشهر ارومیه در آذربایجان به ۳۷ نفر رسیده است که دو نفر از آنان فوت کردند. متأسفانه مسوولان به جای آن که امکانات رفاهی، گرمایشی و شرایط ایمنی و گرمایشی کلاس های درس روستاها شهرستان ها افزایش دهند، معلم، مستخدم یا بخاری مدرسه را محکوم کرده اند تا شانه از زیر بار مسوولیت خود کنار کشند. آینده ی این دانش آموزان سوخته شده، زخمی و ترسیده و معلم زحمتکش آنها چه می شود که باید با نقص عضو به زندگی در شرایط سخت ادامه دهند؟ ما تشکل های کارگری امضا کننده، ضمن حمایت از بیانیه انجمن صنفی معلمان یادآوری می شویم که مسوولان مملکتی باید به

وظایفشان عمل کنند و از کارگران و خانواده های آسیب دیده این حوادث می خواهیم یکدیگر را دریابند، به هم بیسوندند و برای درمان این دردهای مشترک تشکل های خود را تشکیل دهند. برای رسیدن به آینده ای بهتر برای زندگی و کار، چاره ای جز وحدت، تشکیلات و اتحاد سراسری نداریم. پیش به سوی تشکل مستقل و سراسری کارگران ایران. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمانی اتحادیه کارگران پروژه ای سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک اتحادیه آزاد کارگران ایران کانون مدافعان حقوق کارگر اعزام آنها به يك کشور اروپایی به



## در ستایش حاشیه نشینی!

مصطفی صابر



محفل بهتر از حزب است. حزب کوچک و کم تاثیر بهتر از حزب سیاسی بزرگ و پرنفوذ و تاثیر گذار است. حفظ "خلوص نظری" همه چیز، عمل اجتماعی و تغییر دنیا هیچ چیز... این در بهترین حالت لب کلام مخالفین طرح اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری است که توسط حمید تقوایی ارائه شده است. (۱)

بدین ترتیب مهمترین نکته در مباحث مخالفین این است که ناخواسته صحت و ضرورت طرح مذکور را نشان میدهند! به این دلیل ساده که طبعاً نمی توانند با اصل فراخوان حمید تقوایی یعنی اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری برای پاسخگویی به وظایف خطیری که اوضاع ایران و جهان در مقابل ما قرار داده است مخالفت کنند. اما در عین حال خود هیچ راه حل عملی نیز ارائه نمی دهند. در نتیجه حرفی برای گفتن نمی ماند جز آنکه حاشیه نشینی و بی تاثیر خود و دیگران را تقدیس کنند. فراخوان عملی این دوستان در خود رفتن، در گذشته ماندن، در عالم لایتناهی اختلافات نظری معمولی محتوا سیاحت کردن و پاسخ ندادن به وظایف سیاسی فوری در برابر کمونیسم است. لذا هر خواننده منصف با دیدن نوشته ها و اظهار نظرهای این دوستان صدبار بیشتر متقاعد میشود که باید هرچه زودتر این فضا و این دوره را پشت سر گذاشت. باید قدرتمندترین حزب و اتحاد سیاسی و دخالتگر کمونیستی را فوراً ساخت و در قدم اول همین طرح پیشنهادی حمید تقوایی را متحقق کرد.

ترجیح بندگان مشترک همه مخالفین "طرح اتحاد" طبعاً حملات و انتقادات بعضاً هیستریک به حزب کمونیست کارگری و حمید است. حملاتی که البته بارها و بارها چه در وجه نظری و چه مهمتر در وجه عملی و توسط پراتیک اجتماعی و سیاسی بطور عینی جواب داده شده است. برای مثال ما رفته ایم برای کسانی که اسلام را ترک میکنند سازمان درست کرده ایم و آلمان و انگلیس را علیه اسلام سیاسی روی سرمان گذاشته ایم و این رفقا دلخور و رنجور شده اند! و هنوز هم هستند و

نمی کنند و با اعتماد بنفوس فوراً دست به کار نوشتن يك پلاتفرم رویه آینده مطابق نظرات و نقد خود نمی شوند و به فعالین برپایی کنگره فراگیری که حمید پیشنهاد کرده بدل نمی شوند؟

آیا جز این است که حتی این به اصطلاح نقد ها و ایرادهای این رفقا هیچ ارزش پراتیکی و سیاسی برای خودشان هم ندارد و دانسته یا نادانسته تنها بهانه ای برای توجیه وارد نشدن به "قسمت گود استخر سیاست" است؟ حکمت عملی آن تنها پوششی است برای تقدیس کم تاثیر و حال و حوصله نداشتن برای ساختن يك حزب سیاسی کمونیستی کارگری به مراتب موثرتر و تغییر دنیای واقعی؟

بگذارید یاد آور شوم که حتی برای "خادمان سرخ پوش معبد تاریخ" احترام قائلم. اینان معمولاً انسانهای شریف و بسیار دوست داشتنی هستند. بعضاً حتی میتوانند کارهای مفیدی برای نسل های آینده انجام دهند. اما رفقا اوضاع و احوال امروز دنیا و ایران از ما چیزی بیشتر و عاجلتر می طلبد.

ما باید کمونیسم را به یک انتخاب سیاسی برای کارگران و مردم ایران تبدیل کنیم و این تلاش متحد و هرچه وسیعتر کمونیستها را می طلبد. طرح اتحاد نیروی کمونیسم کارگری که حمید تقوایی طرح کرده تنها گام کوچکی است در راه وظایف بزرگی که در پیش داریم. امیدواریم رفقای منقد ما بجای نبش قبر کردن اختلافات گذشته که بارها و مفصل جواب گرفته و طرح دوباره آنها قطعاً به انزوا و بیربطی بیشتر خود این رفقا منجر میشود، سعی کنند به آینده فکر کنند. به نقشی که کمونیسم باید در ایران ایفاء کند بپردازند و راه حلی به جلو ارائه دهند. واضح است که بحث من این نیست که اختلافات گذشته و یا اختلافاتی که بعداً در طی راه بوجود می آید را لاپوشانی کنیم. اما در هر مقطع هر اختلافی آنقدر اهمیت دارد که راه پیشروی را بهتر نشان دهد. میشود و باید با شور و حرارت و صراحت و صمیمیت در باره اینگونه اختلافات بحث و جدل کرد. اما در متن ساختن حزب سیاسی و کمونیستی وسیع و پرقدرتی که حمید تقوایی پیشنهاد آنرا ارائه کرده است. بگذارید این فرهنگ سیاسی

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

## سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

## کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC  
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900  
Account #: 84392 00269 13

## هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

## آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23, account holder: WPI  
, Bank: NatWest branch: Wood Green  
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345  
BIC:  
NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

33-04.html?  
fb\_action\_ids=1015136  
3930777279&fb\_action  
\_types=og.likes&fb\_sou  
rce=timeline\_og&action  
\_object\_map=%7B%  
2210151363930777279  
%22%  
3A320072938101394%  
7D&action\_type\_map=  
%7B%  
2210151363930777279  
%22%3A%22og.likes%  
22%  
7D&action\_ref\_map=%  
5B%5D

جدید، این نوع جدید از اتحاد و از رهبری شدن و رهبری کردن را بیاموزیم که لازمه يك کمونیسم اجتماعی و پرنفوذ است. (دوم ژانویه 2013)

1) حمید تقوایی: چشم انداز نزدیکی

و اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری  
<http://www.rowzane.com/index.php/articles-archiev/40-hamid-t/11932-1391-10-04-11->

## بحران هسته ای و صف بندیهای حکومتی!

محمد شکوهی



با نزدیک شده به مضحکه انتخابات حکومت، صف بندیهای باندهای حکومتی هر روز در حال تغییر است. نحوه برخورد باندهای حکومتی داخل و خارج نظام به مسائل کلیدی و حیاتی جمهوری اسلامی دوباره باز تعریف میشود. موضوعات مهمی چون بحران هسته ای حکومت و رابطه با آمریکا یکی از موضوعات مهم انتخاباتی حکومت و باندهایش خواهد بود. حول و حوش بحران هسته ای و مذاکره با آمریکا صف بندیهای حکومت دچار تغییراتی اساسی شده است. موضوع بحران هسته ای حکومت بیش از یک دهه است ادامه دارد. کل حکومت و باندهایش غلبه از اختلافاتی که با هم دارند، سر این موضوع توافق داشته و دارند، که موضوع بحران هسته ای حکومت باید به "نفع نظام" هر چه زودتر حل و فصل شود. بیش از یک دهه مذاکره و کشمکش غرب و جمهوری اسلامی بر سر بحران هسته ای، حکومت اسلامی را در برابر سوالات مهم و کلیدی این پروژه اش قرار داده است. سوال اساسی این است که با مساله هسته ای بعد از این همه سال چه کنند و به چه قیمتی باید این وضعیت را ادامه دهند.

خطرات و تبعات کنار آمدن نظام با غرب و بخشا آمریکا بر سر سیاست هسته ای حکومت، برای نظام چیست؟ در پاسخ به این سوالات کلیدی است که دسته بندیهای جدیدی دارد شکل میگیرد که در صدد ارائه راه حل برای بحران هسته ای می باشند. اساسا حول سیاست هسته ای حکومت و مذاکره با آمریکا، دو گرایش در درون نظام وجود دارد، که در طول سه دهه گذشته کل سیاست نظام متأثر از آن بوده و می باشد.

گرایش اول بیت رهبری با زیر مجموعه هایش که هر گونه امتیاز دادن و عقب نشینی نظام در موضوع هسته ای را برای کل حکومت

خطرناک میدانند. ادامه سیاست غرب ستیزی و آمریکا ستیزی، دفاع از سیاست "تهاجمی" در برابر کل غرب در تمامی عرضه های رویارویی رژیم را همچنان دنبال میکند. در این دسته خامنه ای حرف اول و آخر را میزند. در واقع کلید حل بحران هسته ای حکومت و مذاکره با آمریکا تا حالا در دست خامنه ای بوده است. خامنه ای و بیت رهبری تا به امروز در تعیین و پیشبرد سیاست کل نظام دست بالا را داشته و هنوز هم دارند. در سال ها و ماههای اخیر با تشدید تحریمهای غرب علیه حکومت، باندهای گرد آمده حول خامنه ای و بیت رهبری ناچار به چرخش هایی شده اند. از جمله این چرخش های سیاستهای احمدی نژاد در برابر خامنه ای در باره موضوع هسته ای، از توقف عسلی سازی هسته ای تا مذاکره با آمریکا می باشد، که در بیت رهبری شکاف هایی جدی ایجاد کرده است. بخشی از اختلافات درون بیت رهبری سر این مسائل می باشد که به نوبه خود موقعیت خامنه ای را نیز تضعیف کرده است. وی بارها بر علیه سیاستهای احمدی نژاد حرف زده و موفق شده فعلا تعادل حکومتی در درون مجموعه های بیت رهبری و دولت را، هر چند شکننده، نگه دارد. به عبارتی خامنه ای حمله خود به دولت احمدی نژاد در باره این موضوعات را از طریق مجلس، و شورای نگهبان به پیش می برد. در مورد موضوع مشخص بحران هسته ای شخصا خودش هدایت امور را در دست گرفته و موفق شده مجلس را هم پشت سرش آورده و دست دولتی ها را از دخالت در موضوع هسته ای و مذاکره با آمریکا تا حد زیادی کوتاه کند. به نحوی که دولتهای اروپایی و آمریکا هم چندان دولت احمدی نژاد را در این زمینه جدی نمیگیرند.

دسته دوم رفسنجانی و محافل گردآمده حول و حوش "اصلاح طلبان حکومتی" و جریان ملی مذهبی

می باشند. این دسته از حدود ۶ سال پیش همیشه برای حل بحران هسته ای حکومت، راه حل و پیشنهاد ارائه کرده است. بحث این دار و دسته ها تاکید بر استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای، قبول پیمان "ان پی تی"، همکاری با آژانس و ایجاد "فضای حسن نیت" دادن در مذاکرات هسته ای بوده است. این دسته به بهانه "رفع خطر" رویارویی آمریکا و ایران و احتمال حمله اسرائیل به تاسیسات هسته ای و بدین وسیله بر باد دادن "دستاوردهای هسته ای حکومت"، و راندن حکومت به موضع ضعیف، که از نظر این جماعت خطرات جدی برای نظام در بردارد، در صدد قبولاندن سیاستهای به خامنه ای بوده است. اما تا به حال موفق به این کار نشده است. رفسنجانی، حسن روحانی و بخشا دولتی ها در این دسته بوده و تلاش می کنند راه حل "قابل قبول" برای حل بحران هسته ای حکومت، ارائه نمایند. در واکنش به موضع طرفداران "حل مسالمت آمیز" بحران هسته ای حکومت، خامنه ای و بیت رهبری در ماه های اخیر واکنش هایی نشان داده است که در عین انتقاد از برخی راه حل های این جماعت، رسماً اعلام کرده است که در موضوع هسته ای خامنه ای حرف آخر را می زند. بیت رهبری ضمن هشدار به هواداران مذاکره، از دولت و سایر مسئولان نظام، از جمله باندهای گردآمده دور و بر رفسنجانی و روحانی باز آنها خواسته اند که اظهارات و نظراتشان را پیرامون موضوع بحران هسته ای و مذاکره با آمریکا، باید با نظرات خامنه ای "منطبق" نمایند. بیت رهبری راه حل ها و پیشنهادات تاکتونی ارائه شده از طرف این جماعت را، سازشکارانه، تسلیم در برابر آمریکا عدول از موضع خامنه ای در مورد بحران هسته ای قلمداد کرده و برای طرفداران حل مسالمت آمیز بحران هسته ای حکومت، بارها خط و نشان کشیده اند.

در واکنش به این هشدارهای بیت رهبری، طرف مقابل ساکت نشده و مدام و به بهانه برنامه های انتخاباتی، موضوع بحران هسته ای حکومت را تبدیل به موضوع انتخاباتی کرده و کاندیداهای

احتمالی اش هر جا که پای منبر رفته اند، بر ضرورت حل فوری بحران هسته ای حکومت، برای مهار خطرات احتمالی که نظام را تهدید می کند، تاکید میکنند. "ناگفته های هسته ای" حکومت در طول یک دهه گذشته، زد و بندهای این جماعت زمانی که در قدرت بودند را، از تریبونهایشان علنا اعلام کرده و به طرفداران بیت رهبری و خامنه ای ضمنی هشدار میدهند که اینها با این سیاستهایشان، خطرات جدی را متوجه کل نظام و بخشا حفظ موجودیت نظام کرده اند. پیرامون این موضوعات اخیراً حسن روحانی که ۱۶ سال دبیر شورای امنیت ملی رژیم و ۴ سال مسئول پیشبرد پرونده هسته ای حکومت بوده، سخنانی ایراد کرده و اعلام کرده است که در دورانی که وی مسئول مذاکرات هسته ای بوده و موقعیتی که نظام در آن قرار داشته است، رفسنجانی و خاتمی به وی اختیار تام در پیدا کردن راه حل برای عبور از این دوره حساس داده بود که به گفته روحانی؛ نهایتاً منجر به نتایج مهمی در بحث بحران هسته ای حکومت در دهه گذشته شد. در اثبات موفق بودن سیاست هسته ای و مذاکرات رژیم در یک دهه گذشته که ایشان یکی از عناصر اصلی آن بوده است، او در کتاب "امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای" به بحث و بررسی موضوع هسته ای حکومت و تلاش های دولتهای رفسنجانی و خاتمی در این باره و و مذاکرات با سران کشورهای اروپایی و توافقاتش با آنها پرداخته است.

در ادامه این ارزیابی های هواداران حل مسالمت آمیز موضوع هسته ای حکومت، هفته گذشته روحانی دوباره سخنانی ایراد کرده و بر ضرورت مذاکره تاکید کرد. او گفت: "در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ هستیم. ما راهی جز مسیر مذاکره نداریم. هم

برای ما و هم برای دشمنان و غرب تنها راه، مذاکره است."

موضوع بحران هسته ای حکومت و مذاکره با آمریکا دو موضوع کلیدی و بخشا حیاتی برای کل رژیم می باشد. حول و حوش این دو موضوع یارگیریهای حکومتی و دسته بندیهای جدیدی در حال شکل گیری است. در گیر و دار این موضوعات، بویژه موضوع هسته ای و مذاکره با آمریکا، موقعیت خامنه ای را در برابر سایر باندها شکننده تر کرده است. اینکه خامنه ای تا کجا به سیاست عدم کنار آمدن با غرب پیرامون بحران هسته ای حکومت پیش خواهد رفت، باز می باشد. اما یک موضوع روشن است فشارهای جهانی در کنار فشارهای داخلی بخشی از حکومت به خامنه ای پیرامون بحران هسته ای شدت خواهد گرفت. علیرغم پافشاری خامنه ای مبنی بر ادامه سیاستهای هسته ای تا کنونی اش، اگر خامنه ای تشخیص بدهد که پای بود و نبود نظام در بحران هسته ای در خطر می باشد، به کنار آمدن با غرب سر بحران هسته ای روی خواهد آورد تا کل رژیم را از این بن بست سالم عبور بدهد. این روزها یکی از بحثهای درونی حکومتی ها این بود که رفسنجانی نخواهد توانست به خامنه ای هم مثل خمینی جام زهر بنوشاند! بهررو اکنون روز بروز صف حامیان خامنه ای زیر فشارهای بین المللی و داخلی و خطر انقلاب یا بقول خودشان "فتنه جدید" و غیره شقه شقه میشود، اعتبار و نفوذش در راس نظام شکننده تر شده است، و هیچ بعید نیست دوباره عین دهه ۸۰ عقب نشینی هایی را بپذیرد تا دوباره موقعیت از دست رفته اش را در راس نظام بدست بیاورد. اما این تنها چالش حکومت نیست و در عرصه های دیگر نیز اوضاع از این بهتر نمی باشد. \*



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

## بازتاب هفته

### جنگ پنهان سبک زندگی

یاشار سهندی

"وقتی دوزخ به طور کلی از ادبیات اسلامگرایان و نیز شهروندان حذف شده و جامعه و دولت احساس نیازی بدان نمی کنند چطور می توان جامعه را معتقد به باورهای بنیادین مذهبی تلقی کرد؟" (مجید محمدی- "جامعه شناس" - رادیو فردا) حقیقت اش را بخواهید هیچ گونه! یک اتفاق ساده دیگر که می توانست و می تواند بحث مهمی در جامعه شناسی باشد در "ایران اسلامی"، "تهدید دشمن" تلقی شده و کل حکومت بسیج شده که هر جور شده جلو پدیده "زندگی مجردی" و "زندگی مشترک خارج از ازدواج دختران و پسران" را بگیرند. این اتفاق هم نشانه دیگری است که جامعه معتقد به "باورهای بنیادین مذهبی" نیست.

"زندگی مشترک خارج از ازدواج

دختران و پسران" و زندگی مجردی در برخی از شهرهای بزرگ ایران که روز بروز هم وسعت می یابد به یک مشکل امنیتی حکومت تبدیل شده است. این پدیده همانگونه که اشاره شد می تواند یک بحث جامعه شناسی باشد که به این پردازند که چگونه شکل "خانواده" در جامعه ایران دارد تغییر می کند و این نشانه چه می تواند باشد و یا علت آن چیست؟ اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این امری کاملاً سیاسی است. یک جور ذهن کجی به حکومت و مذهب و سه دهه تبلیغات چندش آور حکومت است که گویا پیامبر اسلام بر ازدواج تاکید کرده و آنرا محور و سنت دینش قرار داده! اینکه جوانان واقعا به این امر آگاه هستند که رفتارشان مخالفت صریح با کل حکومت میباشد یا نه مهم نیست. مهم خود اتفاق است که خامنه ای و کل حکومت را هراسان کرده است. خامنه ای در مهر ماه گذشته در سخنرانی هایش در "سفر پربرکتش

به خراسان تاکید کرد که اسلام در همه زمینه ها حرف دارد بخصوص در سبک زندگی ( البته ما به تجربه دردناک میدانیم این "حرف" یعنی دخالت پلیسی حتی تا رویاهای آدمها) و ایشان دستور فرمودند که زاد و ولد افزون گردد و از تقصیرات خود توبه کردند که مدافع کنترل جمعیت بودند! جوانان این مملکت نشان دادند "سبک زندگی" خود را خود تعریف می کنند و همین موضوع را سیاسی و امنیتی کرده است. سردار طایلی فرمانده سابق پلیس تهران که اکنون در شورای اسلامی شهر تهران در خدمت اسلام است از افزایش زندگی مشترک بدون ازدواج جوانان خبر داده و هشدار داده که این پدیده "آسیب های اجتماعی" و "پیامدهای خطرناک" دارد.

چرا زندگی مشترک جوانان باید اینگونه کاربردستان حکومت را نگران و هراسان سازد؟ به گونه ای که "فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران بزرگ در مردادماه ۱۳۹۱ از "عملیات های راهبردی" این نیرو علیه "زندگی غربی" در پایتخت خبر داده بود. ( روز آنلاین) تمام داستان

این است که قرار بود به پشتوانه وحشی گری و کشتار بی امان، مردم ایران ساکت و سربراه باشند و هر چه که "ولی فقیه" تشخیص داد بی درنگ همان اجرا شود. اما این مردم جلوه های گوناگونی را به نمایش گذاشتند که نشان دهند که می خواهند مثل یک انسان زندگی کنند. در صورتی که تمام تلاش حکومت این بوده و هست که به مردم ثابت کند تنها چیزی که نیستید انسان است. ظاهراً قرار بود خیر و شر زندگی ما مردم را علما و فضلا تشخیص بدهند و "صراط مستقیم" را به ما نشان بدهند. اما به قول منصور حکمت جامعه دارالمجانین نیست؛ توده مردم سبک زندگی شان را متناسب با دنیای امروز تنظیم میکنند. و در جمهوری اسلامی این همه را حتی به قیمت تهدید زندگی و جان خویش انجام میدهند. برای ذره ذره حق طبیعی و ساده یک انسان مردم این جامعه در سی دهه گذشته از جان مایه گذاشته اند. حکومت اگر احساس خطر میکند برای این است که قرار بوده با قوانین منقور اسلامی اش مانند صیغه، چند همسری، عقد و نکاح

اسلامی، حجاب، و در ادامه اینها سنگسار چهره عقب مانده و وحشی از جامعه ایران بسازد و بخورد خود همین مردم بده. اما فکر شب و روزش شده که چطور جلو "مظاهر سبک زندگی غربی" را بگیرد. که در آن هم خوشبختانه ناموفق است. نکته مهم دیگر این است که تنها این حکومت اسلامی و آخوندهای حکومتی نیستند که تلاش دارند از مردم ایران چهره عقب مانده و وحشی نشان بدهند. بلکه جامعه شناسان و آخوندهای غیرحکومتی (که عنوان مدرن شان شده پژوهشگر دینی جدیداً دین پژوه) نگران "فرهنگ بومی" هستند که مبادا از دست برود. اما رواج پدیده زندگی خارج از ازدواج خود به اندازه کافی گویا است که چه اتفاقی در بطن جامعه افتاده است. و این در شرایطی است که این جامعه تحت سیطره یک حکومت بی نهایت خشن بوده و تصور آن بسیار ساده است که در شرایطی که مردم کاملاً آزاد باشند چهره این جامعه به چه شکلی خواهد بود.\*

خانه سازی برای بازماندگان زلزله را به حکومت اسلامی تحمیل کرد. و تنها با سرنگونی کامل حکومت اسلامی، تنها با برقراری یک حکومت انسانی و آزاد و برابر، حکومتی که اولین اولویتش جان و زندگی و امنیت همه انسانها است که میتوان مانع شد که حوادث طبیعی مثل زلزله به یک سلاح کشتار دسته جمعی تبدیل شوند!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۳ ژانویه ۲۰۱۳، ۱۴ دی ۱۳۹۱

## زلزله زدگان در مشقت هستند!

### سران حکومت اسلامی دروغ میگویند! باید به این وضعیت اعتراض کرد!

دو هفته پیش گفت که "هیچ زلزله زده ای در چادر زندگی نمی کند!" با گذشت بیش از چهار ماه میگوید که ۳۰ هزار خانه تخریب شده اند و بیش از ۱۱ هزار خانه به ساکنان این مناطق تحویل داده شده است!

یعنی طبق اظهارات نزدیکترین مقام حکومتی به مناطق زلزله زده، قریب ۲۰ هزار خانه تخریب شده بازسازی نشده اند. دهها هزار ساکنین این خانه ها در چادرهایی زندگی میکنند که طبق اظهارات نماینده ورزقان حتی سوخت کافی برای گرم کردن خود ندارند.

دهقانی نماینده مجلس رژیم از ورزقان: دولت گفته است که ۳۰ هزار واحد می سازد که تنها ۳ هزار واحد در این مرحله تحویل داده است و این تنها ۱۰ درصد خانه هایی است که باید ساخته می شد. در حدود ۶۰ روستا در منطقه وجود دارد که هیچ اقدامی در مورد آنها انجام نشده است و تکلیفشان مشخص نیست. ... مسئولان وعده

با گذشت بیش از چهار ماه از زلزله آذربایجان، مقامات ریز و درشت حکومت، هر کدام بسته به اینکه به کدام باند و دار و دسته حکومتی تعلق داشته باشد، به بهانه "بازسازی" مناطق زلزله زده، ضمن تکرار وعده های توخالی، در دفاع از باند و دارسته خود در مورد بازسازی سخن سرایی میکنند. اما واقعیت این است که کل حکومت تا به امروز به غیر از وعده های توخالی و رفع رجوع کردن منافع باندهای سهم در دزدی به نام بازسازی مناطق زلزله زده، کاری برای مردم نکرده اند. برف و سرما، نبود مواد سوختی، زندگی در چادر، کمبود کانکس، عدم برخورداری از امکانات پزشکی، زندگی را برای بیش از ۱۰۰ هزار نفر غیر قابل تحمل کرده است.

اینجا فقط به دو نمونه از اظهارات سران حکومت توجه کنید: بیگی استاندار آذربایجان شرقی قبلاً گفته بود که نزدیک به ۱۴ هزار واحد مسکونی تخریب شده است.

معرض برف و بوران و سرمای زیر صفر آذربایجان بی پناه رها شده اند. در کنار بی اعتنائی کامل تاکنونی حکومت به وضع زلزله زدگان، همین چند اعترافات حکومتیها هم نشان میدهد که باند های حاکم اسلامی ذره ای اهمیت به جان و زندگی زلزله زدگان نمیدهند.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ضمن اظهار همدردی و همبستگی با زلزله زدگان آذربایجان، اعلام میکنند که حکومت اسلامی فقط زبان اعتراض را میفهمد. تنها با اعتراض وسیع و قدرتمند توده ای است که میتوان

می دهند که اقدامات لازم را انجام می دهند اما همچنان خبری از انجام وعده ها نیست. باید سوخت لازم در اختیار زلزله زدگان قرار گیرد اما متأسفانه اقدامات کافی در این زمینه انجام نشده است و مردم با سختی و مشقت و با هزینه شخصی سوخت تهیه می کنند!

یعنی طبق اظهارات نماینده رژیم در مجلس اسلامی، ۲۷ هزار واحد تخریب شده هنوز بازسازی نشده اند. ساکنین ۲۷ هزار خانه در

## توجه توجه

فرکانسی بخش کانال جدید تغییر کرده است

مشخصات جدید ماهواره: KURD KANNEL

هات برد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانسی ۱۱۶۴۲ افقی

اف ای سی ۵/۶

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

تغییر فرکانسی کانال جدید را به اطلاع همه برسائید



## اشتغال زنان

فرح صبری (ایران)

جایگاهی برخوردار است که حتی حاضر به تن دادن به شرایط اسف بار کارتن خوابی میشوند.

در واقع تلاش مستمر حکومت اسلامی برای از میدان بدر بردن زنان از عرصه های اجتماعی نیز خطری است که حکومت از هجوم زنان متخصص و تحصیل کرده به جامعه احساس میکند. آماري که رئیس کمیسیون بانوان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن اصفهان در گفتگو با ایلنا ارائه میکنند دال بر همین واقعیت است. زهرا اخوان نسب میگوید: "هم اکنون جمعیت زنان جویای کار در کشور 830 هزار نفر است و بیش از یک میلیون و 800 هزار دختر نیز در دانشگاههای کشور مشغول به تحصیل هستند. یعنی دو برابر کل زنان بیکار. بدیهی است که در صورت عدم برنامه ریزی و تدبیر اندیشی لازم طرف چهار سال آینده با افزایش 100 تا 150 درصدی جمعیت زنان جوان بیکار روبرو خواهیم شد." البته بازهم این آمار واقعی زنان جویای شغل نمیباشد. چرا که باید زنان خانه داری را که تمایل به داشتن شغل و درآمد مستقل دارند را نیز به آمار بیکاران اضافه کرد. زنانی که هیچ وقت در آمار بیکاران لحاظ نمی شوند. و این خطری است که حکومت را به لرزه می اندازد و بارها در گفته هایشان از این موضوع تالان هستند که زنان با تحصیلات عالی و متخصص توقع بالاتری از زندگی دارند و میتوانند جامعه را به چالش بکشند. بنا به آمار داده شده 49 درصد زنان کاربران اینترنتی را زنان و دختران جوان تشکیل میدهند. و همین نکته آماری خطری است که رژیم اسلامی را تهدید میکند و از آن هراس دارند.

34 سال است جانیان اسلامی، تمام هم و غمشان را گذاشته اند تا بتوانند زنان را از دلیل و خانه نشین کنند. ولی نتیجه و حاصل تمام کوششهایشان صف میلیونی زنانی است که در هر شرایطی که باشند حق و حقوقشان را طلب میکنند و برای داشتن حرمت و هویت انسانی میجنگند. زنانی مدرن که امروز با تکیه بر ابزار اینترنت به آخرین دستاوردهای بشری مسلط هستند و توقع یک انسان قرن بیست و یک را از زندگی دارند. در واقع میتوان گفت نقطه قوت این نسل از زنان در این

است که مردان جوان این نسل هم تا حدود زیادی از سنتهای مردسالار منزجر شده اند و میدانند اگر بخواهند از یک زندگی انسانی و مدرن برخوردار باشند باید زنان نیز در شان یک انسان آزاد در کنارشان باشد و دوشادوش یکدیگر برای برپایی یک دنیای بهتر حکومت اسلامی را از سر راه بردارند و جامعه ای نوین را سازمان دهند.\*

## پاسخ جوانان به تفکیک جنسیتی

صافی گلپایگانی از مراجع فسیل شده قم در پاسخ به سؤالی در خصوص هزینه طرح تفکیک جنسیتی گفت: "هزینه مالی اجرای تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها هر چه هم سنگین باشد، قابل تحمل است". ماجرای دخالت این شیخ الشیوخ آن است که با مخالفتهایی که در بین صفوف رژیم با این طرح به راه افتاده متولیان آن بهتر دیدند که برای موجه کردن آن، دست به دامن "حوزه ی علمیه" شوند. ولی دیگر امروز برای مراجع عظامشان هم بشم و پیلی باقی نمانده که بخواهند با ریش گرو گذاشتن جلو اختلافات را بگیرند و جمهوری اسلامی را یک کاسه کنند. رئیس جمهورشان یک ساز میزند و برای رهبر عظیم الشانسان شکلک در میاورد و تره برای احکام و دستوراتش خرد نمیکند. از یک طرف در طبل اجرای تفکیک جنسیتی میکوبند و بیش از 60 دانشگاه کشور و نزدیک به 600 رشته دانشگاهی را تک جنسیتی میکنند، و از طرفی احمدی نژاد در مقابل دوربین ها با این طرح مخالفت میکنند. و کارشناسانشان از بی سرانجام بودن این طرح سخن میگویند. و اتفاقاً بهانه ی پر هزینه بودن این طرح را هم عنوان کرده بودند. هر وقت که آتش اختلافاتشان بالا میگیرد دست به دامن مرجع تقلیدشان میشوند و صافی گلپایگانی در این موارد با دست و پای لزان وارد معرکه میشود و از کیسه خلیفه میبخشد که اصلا مهم نیست چقدر هزینه اجرای این طرح است و "ملت شهید پرور" این هزینه را میپردازد.

معلوم است که برای آیت الله میلیاردر که بر خوان نعمت و ثروت این جامعه نشسته است مهم نیست

چقدر هزینه برای اجرای طرحهایی از این قبیل بشود. بخصوص که امروزه مشام این پیر از گور برخاسته هم بوی مرگ رسیده است. مرگی که عن قریب دامن تمام دم و دستگاه سرکوشان را خواهد گرفت و همگی شان را به زیاله دان تاریخ میاندازد.

وی همچنین در پاسخ به سؤالی درخصوص حد پوشش دختران و پسران در محیط دانشگاه ها و دیگر مراکز علمی تحقیقاتی بیان کرده است: "به طور کلی پوشش اسلامی؛ چه در رفت و آمدهای بیرون از منزل و چه در داخل منزل و چه در مراسم رسمی، در سفر و حضر برای مرد و زن و پیر و جوان، در حضور غیر همسر باید بر اساس وقار و حیا باشد. آیت الله صافی گلپایگانی تاکید کرد: البته غرض ما اعلام حرمت همه لباسهایی که متداول شده، نیست، ولی می گوئیم این نوع پوشش با حیای اسلامی همسو نیست و بعض صور آن تا حد حرام هم می رسد. حاصل این که مطابق تربیت دینی در محیط اسلامی، پوشش عام زن و مرد بر اساس حیا شخص است و بهترین پوشش برای زن مسلمان، چادر است".

صافی گلپایگانی دلیل اصرار بر اجرای این طرح را در واقع در حرفهای توضیح میدهد که همانا در یک کلام خانه نشین کردن و از میدان بدر کردن زنان است و او با اصرار بر پوشش چادر برای زنان در واقع میخواهد بگوید هیچ حقی را برای زنان مفروض نمیداند و مدام ارزی به پستو فرستادن زنان را زمره میکند. روشن است که معنای حیا برای این جانیان به مفهوم "بی اختیاری" است. به این معنی که زن باید یک موجود بی اختیار کامل باشد نباید حتی زیر چادر احساس کند که میتواند به اختیار خود فکر کند چه رسد به اینکه بتواند بخندد، حرف بزند یا پوشش خود را انتخاب کند و در باره بدن خودش تصمیم بگیرد. و همه اینها را تحت عنوان "حیا" بازگو میکنند.

اما باید گفت کورخوانده اید که

بتوانید رویایتان را محقق کنید امروز دیگر این لقمه از گلولی شما که زیر دستان مردم است پایین نمی رود. شاید 34 سال پیش برای به قدرت رسیدن درست به هدف زدید و با زدن زنان برای سرکوب و به خون کشیدن انقلاب مردم قدم برداشتید. اما امروز با یک جنبش عظیم جهانی روبرو هستید و این جنبش در ایران بعد از وقایع 88 بسیار مصمم تر بدنبال پیداکردن فرصت مناسب و متحد شدن برای سرنگونی همه ایل و تبارتان است.

امروز میبینیم که جامعه واکنش عملی به طرحهای حکومت نشان میدهد و هرپروژه ی رژیم را با راهکاری عملی بی تاثیر و خنثی میکند به طوری که خود صاحب منصبان رژیم لب به اعتراف میگویند. در باره عکس العمل جوانان به تفکیک جنسیتی از زیاد شدن برنامه های اردوی مختلط بین جوانان نام میبرند و یا اینکه رئیس کمیسیون شورای شهر تهران از افزایش زندگی مجردی دانشجویی در شهر تهران خبر داد و گفت: این پدیده ی جدیدی از نوع آسیب های اجتماعی است که پیامد های خطرناکی دارد"

مترضی طلائی در ادامه میگوید: متأسفانه گزارش هایی مبنی بر تشکیل زندگی های مجردی داریم که در آن دختر و پسر دانشجو بدون ازدواج های رسمی زیر یک سقف زندگی میکنند. و این گزارشهایی که امروز از زبان خود حکومتیها بیان میشود نشان میدهد که در چنین اوضاعی که جامعه یک الترناتیو و سبک زندگی را در برابر جمهوری اسلامی قرار میدهد، اجرای طرحهای تفکیک جنسیتی تنها مسخره و پوچ است. در واقع همین واقعیت امروز جامعه ایران و جنبش انقلابی جاری در جامعه است که تمام طرحها و برنامه های رژیم را که برای مرعوب کردن و سرکوب جامعه طرح ریزی میشود خنثی میکند و به شکست میکشاند. همین شکست هاست که هر روز صفوف رژیم را به تلاشی میکشاند و هر روز بهم ریخته تر دست و پای یکدیگر را لگد میکنند.





اطلاعیه شماره ۸۰:

### علی نجاتی به دادگاه جمهوری اسلامی در سنندج احضار شد



بنا بر اخبار منتشر شده علی نجاتی عضو هیات مدیره سنیکای کارگران نیشکر هفت تپه به شعبه چهارم "دادیاری انقلاب اسلامی" در سنندج احضار شد. بر اساس این احضاریه او باید سه روز پس از دریافت این احضاریه در دادگاه حاضر شود.

احضار علی نجاتی بدنبال پرونده ای صورت میگیرد که بر اساس آن در شعبه اول دادیاری دادگستری جمهوری اسلامی در شهرستان شوش در ۲۹ مهر ماه صورت گرفت. در آنجا به علی نجاتی اعلام شده بود که بر اساس مستندات یک سی دی که بر روی پرونده همسر وی خانم شهناز سگوند موجود است، او در سال گذشته به کردستان رفته و در آنجا سخنرانی کرده و ترانه حماسی و تحریک کننده "دایه دایه و قته جنگه" را خوانده است. در آن هنگام قاضی این دادگاه علی نجاتی را با وثیقه ده میلیون ریالی آزاد و به او اعلام کرده بود که آنها این سی دی را جهت تحقیقات و تکمیل پرونده به دادگستری استان کردستان خواهند فرستاد و چنانچه دادگستری این

محاكمه پی در پی و اذیت و آزار مستمر این خانواده معترض کارگری تلاش دارد تا مبارزات کل کارگران را عقب زند و جلوی اجتماعی شدن مبارزات کارگران و دخالت فعال خانواده های کارگری را بگیرد. باید فشار بر روی علی نجاتی و شهناز سگوند را وسیعاً محکوم کرد. با حمایت وسیع از علی نجاتی و شهناز سگوند، بطور واقعی حق تشکل، حق اعتصاب و حق تجمع را مورد دفاع قرار داد. باید فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری فوراً متوقف شود. باید همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی فوراً از زندان آزاد شوند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۱۴ دی ۹۱، ۳ ژانویه ۲۰۱۳

### کارگر زندانی زندانی سیاسی آزاد باید گردد



شاهرخ زمانی بهنام ابراهیم زاده رضا شهابی



محمد محمدی محمد جراحی رسول بداعی

### کمپین برای آزادی کارگران زندانی

شهلا دانشفر shahla\_daneshfar@yahoo.com  
00447779898968  
بهرام سروش bahram.soroush@gmail.com  
0044-7852 338334  
http://free-them-now.blogspot.com/p/

### متن نامه مشترک منصور اسالو، جعفر عظیم زاده، داود رضوی، علی نجاتی، پروین محمدی، شیث امانی، شاپور احسانی راد، شریف ساعد پناه و ۱۴ نفر دیگر از فعالین کارگری به رضا شهابی

و صمیمانه از شما میخواهیم به اعتصاب غذای خود پایان دهید و درمان خود را از سر بگیرید. ما با شور و شوق جشن آزادی تو را برگزار خواهیم کرد اما این جشن زمانی برپایمان مسرت بخش خواهد بود که حضور گرم شما در میان ما با تنی سالم محقق شود.

میدهیم لحظه ای از تلاش برای تحقق خواستههای شما که خواست همه ما کارگران در سراسر ایران است باز نخواهیم ایستاد. ما دستهایتان را صمیمانه می فشاریم و اعتراض شجاعانه شما را از کنج زندان ارج می نهمیم اما در این میان سلامتی شما مهم ترین اولویت برای ما امضا کنندگان این نامه است. لذا مصراانه

ما همین دلیل افکار عمومی انتظار داشتند پس از انتشار خبر مرگ ستار بهشتی مسئولین امنیتی و قضایی در اقدامی فوری تجدید نظری اساسی در رفتار و حدود اختیارات مامورین انتظامی و امنیتی در برخورد با زندانیان را عملی کنند. اما به نظر میاید با توجه به رفتاری که با شما شد چنین انتظاری، انتظاری عبث و بیهوده است لذا ما امضا کنندگان این نامه ضمن تاکید بر تلاش و مبارزه برای آزادی کارگران دربند و دیگر انسانهای عدالتخواه از زندانهای سراسر کشور، مصراانه بر رسیدگی عاجل به شرایط نگهداری و چگونگی رفتار مامورین و زندانبانان با تمامی زندانیان پای می فشاریم و خواهان آزادی فوری و ادامه

دوست و یار عزیزمان رضا شهابی با دروهای گرم و فراوان خیر برفتاری و تهدید به کتک کاری از سوی ماموری که همراه شما به بیمارستان اعزام شده بود همه ما را عمیقاً ناراحت و نگران و تا حدودی شوک زده کرد. چرا که هنوز خبر مرگ ستار بهشتی کارگر ویلاک نویسر بر روی رسانه هاست و برخی از مسئولین مملکتی در واکنش به مرگ این کارگر، صحبت از شفاف سازی و لزوم مقید کردن مامورین و زندانبانان به برخوردی انسانی با زندانیان کرده اند. بطور قطع و یقین مرگ ستار بهشتی هیچ علتی جز رفتار غیر انسانی مامورین و برخورداری آنان از اختیارات گسترده در برخورد با زندانیان نداشته است،



## کارگران نورد لوله صفا نمونه ای از یک اعتراض در خشان را به نمایش گذاشتند



کارخانه پروفیل ساوه برای نقد کردن حقوق معوقه خود از یکطرف و کارفرما و فرمانداری از طرف دیگر ادامه دارد.

حزب کمونیست کارگری به کارگران نورد لوله صفا بخاطر هوشیاری و قاطعیت شان درود میفرستد و کارگران کارخانه های پروفیل ساوه و نورد لوله صفا را به مبارزه متحد و یکپارچه برای تحقق خواست خود فرامیخواند. حزب کارگران این دو کارخانه را به برگزاری مجمع عمومی و خانواده های آنها را به شرکت در تجمعات اعتراضی کارگران فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۰ دی ۱۳۹۱، ۳۰ دسامبر ۲۰۱۲  
\*\*\*

بنا بر آخرین خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران در سایت اتحاد در چهارمین روز اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا در روز ۱۲ دی ماه ۲۵۰ مهندس و کارشناس این کارخانه نیز به کارگران اعتصابی پیوستند. در این روز این کارگران

به فرماندار و مسئولین فرمانداری بفهماند که نمیتوانند با کارگران اینگونه رفتار کنند. مسئولین فرمانداری در فرمانداری را به روی کارگران باز کردند و فرماندار مجبور شد در جمع کارگران حاضر شود. فرماندار به کارگران اعلام کرد که رستمی صفا (کارفرمای نورد لوله صفا و کارخانه پروفیل ساوه) روز سه شنبه در فرمانداری حضور خواهد یافت و ما تلاش میکنیم یکماه از دستمزدهای شما پرداخت شود و ۲۰ کارگر اخراجی پروفیل ساوه نیز به کار خود بازگردند. این اظهارات با اعتراض شدید کارگران مواجه شد.

کارگران اعلام کردند شش ماه حقوق طلب داریم و به اعتصاب ادامه میدهیم و ضمن تصمیم به ادامه اعتصاب، ده نماینده برای شرکت در جلسه سه شنبه در فرمانداری انتخاب کردند. طبق این گزارش در تجمع کارگران نورد لوله صفا، تعدادی از کارگران پروفیل ساوه نیز حضور داشتند.

نبرد میان کارگران نورد لوله صفا و همینطور ۱۲۰۰ کارگر

۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا صبح روز شنبه ۹ دیماه در اعتراض به عدم پرداخت شش ماه دستمزد خود دست به اعتصاب زدند. طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال این اعتصاب مسئولین کارخانه با حضور در میان کارگران به آنان وعده دادند شنبه شب یکماه از دستمزد معوقه کارگران را به حساب شان واریز خواهند کرد. کارفرما به تعهد خود عمل نکرد و کارگران اعتصاب را امروز یکشنبه نیز ادامه دادند.

امروز یکشنبه کارگران با روشن کردن لاستیک در ورودی کارخانه را هم بستند و سپس در تماسی که با فرمانداری ساوه گرفتند، به آنها گفته شد که کارفرما اعلام کرده که سه ماه دستمزد شما را پرداخت کرده است در حالی که پولی به حساب کارگران واریز نشده بود. کارگران ساعت ۴ بعدازظهر با سرویس های خود به مقابل فرمانداری رفتند اما مسئولین فرمانداری از پذیرش کارگران خودداری کردند. کارگران خیابان مقابل فرمانداری را بستند تا

چنانچه او به تعهد خود عمل نکند این اختیار را دارند تا حتی اقدام به بازداشت وی کنند. فرماندار ساوه در ادامه تلاش کرد با این صحبت که او تضمین میکند که روز شنبه ۱۶ دی ماه دستمزدهای کارگران پرداخت شود، کارگران را ترغیب به بازگشت بکار کند. اما نماینده های کارگران اعلام کردند که کارگران تا دریافت شش ماه دستمزد معوقه خود حاضر به پایان دادن به اعتصاب خود نیستند.

بدین ترتیب اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفا همچنان ادامه دارد. کارگران اعلام کرده اند با هیچ وعده ای جز تحقق عملی پرداخت شش ماه دستمزد معوقه خود بر سر کارهایشان باز نخواهند گشت.

همچون روزهای دیگر با تجمع در مقابل درب ورودی کارخانه و روشن کردن لاستیک مانع تردد خودروهایی داخل کارخانه شدند و بطور دسته جمعی بحث ایجاد شورای کارگری را به تبادل نظر گذاشتند. از سوی دیگر بنا بر وعده ای که فرماندار ساوه به کارگران مبنی بر حضور رستمی صفا کارفرمای کارخانه در فرمانداری این شهرستان داده بود، ساعت ۱۵ نماینده های کارگران در محل فرمانداری حاضر شدند. اما رستمی صفا به فرمانداری نیامده بود. با اینحال فرماندار ساوه طی نشستی با نماینده های کارگران به آنان اعلام کرد که روز شنبه در رابطه با مشکلات کارگران جلسه شورای تامین استان را تشکیل خواهند داد و رستمی صفا را متعهد به پرداخت دستمزدهای کارگران خواهند کرد و

## حکومت جنایتکار اسلامی ۶ نفر از اهالی سندج را اعدام کرد

**لغو مجازات اعدام**  
مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

**از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری**

**انترناسیونال**  
نشریه حزب کمونیست کارگری  
سردبیر: بهروز مهر آبادی  
مسئول فنی: نازیلا صادقی  
ای میل: anternasional@yahoo.com  
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مراسم و کفن و دفن به آنها داده است. ارگانهای امنیتی رژیم قرار است آنها را دفن کنند و طبق این گزارش گفته میشود که تنها یک نفر از اعضای خانواده اجازه حضور در مراسم تشییع جنازه را دارد. چهار نفر دیگر از متهمان این پرونده به نام های حامد احمدی، کمال مولائی، جهانگیر دهقانی و جمشید دهقانی نیز به سلول انفرادی منتقل شده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به خانواده های این شش نفر صمیمانه تسلیت میگوید و جمهوری اسلامی را بخاطر این جنایت شدیداً محکوم میکند. کمیته کردستان حزب از مردم سندج و مردم سایر شهرها میخواهد این آدمکشی را بی جواب نگذارند و با اعتراض متحدانه خود راه اعدام های بیشتر و جنایات بیشتر توسط حکومت

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری  
۱۰ دی ۱۳۹۱، ۳۰ دسامبر ۲۰۱۲

روز پنجشنبه هفتم دیماه جمهوری اسلامی حداقل شش نفر از اهالی سندج را در زندان قزلحصار اعدام کرد. اسامی شش نفر از آنها که توسط "هرانا" منتشر شده عبارت است از: بهرام احمدی، اصغر رحیمی، بهنام رحیمی، محمد ظاهر بهمنی، کیوان زند کریمی و هوشیار محمدی. اتهامی که رژیم به آنها نسبت داده قتل یک آخوند بوده است.

این اتهام توسط هیچ مرجع صالح و دادگاه عادلانه ای بررسی نشده و اعدام شده ها حتی حق انتخاب وکیل را هم نداشته اند. اما حتی اگر این شش نفر در قتل دست داشته اند، اما اعدام همچنان یک جنایت آشکار است و باید با اعتراض قاطعانه مردم پاسخ گیرد.

رژیم نه جنازه ها را به خانواده های آنها تحویل داده و نه اجازه

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**